

چالش‌های هویت دینی اقلیت‌های شیعی در آمریکا

محمدرضا حضوربخش^۱

محسن اسلامی^۲

چکیده

مسلمانان در اواخر قرن نوزده، از لبنان امروز وارد آمریکا شدند و از آن زمان با چالش‌های متنوعی مواجه شده‌اند. مهاجران برای استفاده از رفاه اجتماعی در آمریکا باید توانایی، سازش و بهره‌وری خود را به‌عنوان یک شهروند آمریکایی به اثبات برسانند تا از امکاناتی مانند تحصیل، بهداشت و شغل بهره‌مند شوند.

در این رهگذر، مهاجران شیعی با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند. شیعیان همواره از فشارهای اجتماعی ناشی از اختلاف میان آموزه‌های دینی و اقتضائات تجددگرایانه، سکولار و اسلام‌هراسانه آمریکا رنج می‌برند و دچار آسیب‌های هویتی شده‌اند.

این پژوهش درصدد بررسی چالش‌های هویت دینی شیعیان آمریکا و پاسخ به این پرسش است که آیا شیعه برای استیفای حقوق شهروندی باید سیاست‌های اجتماعی آمریکا مبنی بر ادغام شدن در بافت جامعه را با تمام الزامات آن بپذیرد؟ آیا می‌توان به پدیده‌ای به نام «اسلام آمریکایی» قائل شد؟

در این پژوهش که از روش تبیینی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای - میدانی بهره می‌برد، انواع چالش‌های هویت دینی مسلمانان در سه بخش فرهنگی، اجتماعی و دینی و نحوه تأثیر آنها بر هویت مسلمانان، به‌خصوص شیعیان، مورد ارزیابی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: اسلام در آمریکا، اقلیت شیعی، جامعه آمریکا، هویت دینی، معنویت جمعی، مهاجران.

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه، دانشجوی دکتری فلسفه تطبیقی دانشگاه قم، M.hozoor@gmail.com

۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، eslami.m@modares.ac.ir

مقدمه

هنگامی که تاریخ شکل‌گیری آمریکا را مورد مطالعه قرار می‌دهیم، با گروه‌های مهاجر اروپایی (اسپانیایی، پرتغالی و انگلیسی) مواجه می‌شویم که به دلایل مختلف به آمریکا مهاجرت کردند؛ مانند: آزادی دینی جامعه آمریکا، فشار اقتصادی عصر صنعتی بر مردم در اروپا و به ستوه آمدن اقلیت‌های دینی در جوامع خود.

با ذهنیتی یکسان، بسیاری از مسلمانان برای مهاجرت و استقرار در این منطقه به تکاپو افتادند؛ با این تفاوت که مسلمانان در غرب به‌عنوان مهمان ناخوانده‌ای لحاظ می‌شوند که برای استفاده از مزیت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی، برای مدت محدودی در غرب اقامت گزیده‌اند. در نتیجه شمول این مزیت‌ها برای آنها، فرعی، ثانوی و با چاشنی منت همراه است.

افزون بر این، مسلمانان به طور کلی و شیعیان به طور خاص در مقایسه با سایر مهاجران از نظر هویت فردی، انزواطلب و خجالتی و از حقوق شهروندی خود ناآگاه بوده و هستند. اگر سایر جوامع مهاجرتی مانند چینی‌ها، پرتغالی‌ها و یا لهستانی‌ها مورد بررسی دقیق قرار گیرند، این مسئله روشن خواهد شد که مسلمانان در مواجهه با غربی‌ها از یک نوع خودکم‌بینی و سرخوردگی رنج می‌برند.

به نظر بسیاری از متخصصان، شکل‌گیری رویکرد جدید غرب در تقابل با اسلام بعد از اتمام جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۹۰ میلادی سبب تشدید این روحیه شد؛ زیرا توجه‌ها برای خلق دشمن واحد به اسلام معطوف شد. به همین دلیل اسلام‌هراسی با عنوان «جنگ علیه ترور» اگرچه قبل از آن نیز (در دهه ۸۰) وجود داشت، اما به لحاظ تألیف آثار و اتخاذ سیاست‌های ضد اسلامی از سوی کشورهای غربی به اوج خود رسید (Ameli ۲۰۱۲:۴۰).

در چنین شرایطی، یک مسلمان چگونه می‌تواند به امنیت، آسایش و رفاه اجتماعی بیندیشد؟ آیا مسلمانان می‌توانند با تأکید بر هویت دینی در فضای عمومی آمریکا تعامل کنند؟ چه آینده‌ای در پیش روی این هویت قرار دارد و به چه سرنوشتی دچار خواهد شد؟ واقعیت این است که مسلمانان (اعم از سنی و شیعه) کماکان در پی اثبات

شایستگی‌های خود به جامعه هدف هستند تا از این طریق بتوانند به جایگاه مناسب و قابل احترامی دست پیدا کنند. مسلمانان همواره خود را در یک آوردگاه دائمی می‌یابند که برای خروج از آن باید به سختی مبارزه کنند و در مبارزه لاجرم سربلند بیرون آیند؛ مبارزه‌ای ناعادلانه در برابر هجمه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و دینی که به طور خاص، یک مسلمان متعهد باید با تمام وجود به مقابله با آن پردازد و در عین حال، خود را به بدنه جامعه‌ای که او را طی یک سلسله سیاست‌های داخلی و خارجی طرد می‌کند، بقبولاند.

بدیهی است که در کشاکش تمام این فراز و نشیب‌ها، مسلمانان دچار بحران عمیق هویتی شده‌اند. به عبارت دیگر، تعریف مسلمانان از خود، با انتظارات جامعه از آنها مطابقت ندارد.

یکی از دلایل مهاجران که بخش زیادی از جمعیت مسلمانان آمریکایی را تشکیل می‌دهند، آزادی‌های دینی در آمریکا بود؛ اما برخلاف انتظارات و علی‌رغم وجود ظاهری انواع آزادی‌ها، مسلمانان با جامعه‌ای مواجه شدند که سیاست‌های کلان آن در تعارض با مبانی اسلامی قرار دارد. این تعارض را می‌توان در آموزش و تحصیل، تفریح و سرگرمی، اختلاط و تعامل با جنس مخالف، اشتغال و مسائل خانواده دنبال کرد.

این تمام واقعیت نیست و خطر هویتی که نسل جدید مسلمانان را تهدید می‌کند، فراتر از یک بحران است. در حال حاضر، آنها دچار خلأ هویت دینی هستند؛ زیرا هویت آمریکایی برای آنها بیشتر از هویت دینی اهمیت دارد. بنابراین، نسل جدید بیش از آنکه خود را مسلمان بدانند، یک آمریکایی می‌دانند و تمایل زیادی دارند که اسلام را در چارچوب آمریکا تعریف کنند.

این پژوهش درصدد بررسی چالش‌های هویت دینی شیعیان آمریکا و پاسخ به این پرسش است که آیا شیعه برای استیفای حقوق شهروندی باید سیاست‌های اجتماعی آمریکا مبنی بر ادغام شدن در بافت جامعه را با تمام الزامات آن بپذیرد؟ آیا می‌توان به پدیده‌ای به نام «اسلام آمریکایی» قائل شد؟

تاریخ دین‌گرایی در آمریکا

آمریکا از مهم‌ترین کشورهای مهاجرپذیر است. در ابتدای قرن هفده میلادی (۱۶۲۰)

یک گروه مذهبی به نام زائران، برای فرار از محدودیت‌های دینی در اروپا به این سرزمین مهاجرت کردند. اندکی بعد، عده‌ای از پیوریتن‌ها در قالب گروه‌های چندصدنفره در بین سال‌های ۱۶۳۰ تا ۱۶۴۰ میلادی که مجموعاً تعداد آنها در حدود بیست هزار نفر تخمین زده می‌شود، عازم این سرزمین شدند و در منطقه ماساچوست اقامت گزیدند (Davis, 2002:47). بنابراین، برخلاف اروپا، آمریکا به‌عنوان یک جامعه دینی و مذهبی معرفی می‌شود که گرایش‌های دینی مردم کاملاً مشهود و تنوع فرقی پروتستان در نوع خود منحصر به فرد است.

تاریخچه حضور تشیع در آمریکا

۱. از اواخر قرن نوزده تا دهه پنجاه میلادی

شیعیانی که از اواخر قرن نوزده تا اواسط قرن بیستم به آمریکای شمالی مهاجرت کردند، به دنبال اثبات خود در قالب جامعه جدید بودند. غرب، به‌خصوص آمریکا، برای شیعیان یک جامعه آرمانی به حساب می‌آمد که شهروندان از آزادی‌های فردی، رفاه اجتماعی و فرصت شغلی مناسب برخوردار بودند. بنابراین، گروه اول مهاجران شیعه برای هماهنگی با جامعه مدرن، رسوم و حتی اسامی خود را به تناسب تغییر می‌دادند (Takim, 2012:109). البته بیشتر افرادی که در این دوره به غرب مهاجرت می‌کردند، از طبقه متوسط و یا پایین جوامع خود بودند که در جستجوی کار و یا شرایط رفاهی بهتر مهاجرت می‌کردند. برای مثال شیعیان لبنان به دلیل وجود کارخانه فورد در شهر میشیگان در ایالت ایندیانا، در این منطقه ساکن شدند (Takim, 2012:39). این گروه، آشنایی چندانی با مبانی اسلامی و احکام شریعت نداشتند و این مسئله تا ابتدای دهه شصت میلادی ادامه پیدا کرد. مسجد علاوه بر محل عبادت، مکانی برای برگزاری جشن‌ها و رقص و شادی بود. همچنین تعداد قابل توجهی از زنان مسلمان تا دهه شصت میلادی حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کردند (Haddad, 2011: 11).

۲. از دهه پنجاه تا نود میلادی

از دهه پنجاه و شصت میلادی به بعد، به دلیل اتخاذ سیاست‌های باز مهاجرتی از سوی کشورهای آمریکای شمالی و همچنین بروز مشکلات اجتماعی - سیاسی در جوامع اسلامی، به‌خصوص در خاورمیانه، میزان مهاجرت و تنوع آن دستخوش تغییرات زیادی

شد. انقلاب اسلامی ایران، شرایط خصمانه در عراق، نزاع شهری در پاکستان، برنامه‌های ضد اسلامی در هند، رژیم عیدی امین در اوگاندا و ظهور طالبان در افغانستان، از جمله دلایل افزایش مهاجرت هستند (Takim, 2021: 31).

شیعیان تا قبل از این دوره، در یک انفعال کامل به سر می‌بردند و اساساً از احکام اولیه اسلامی نیز اطلاع چندانی نداشتند. این مسئله فارغ از آسیب‌های دینی، به لحاظ اجتماعی باعث آمیختن شیعیان و اهل سنت در جوامع غربی شده بود (Takim, 2009: 9).

با ورود موج سوم مهاجران از اواسط قرن بیستم به بعد، در واقع نسل اول و حتی نسل دوم مهاجران، تحت تأثیر موج فزاینده مهاجرتی و گرایش‌های دینی و مذهبی آن قرار گرفتند و به طور میانگین، گرایش به مبانی اسلامی رشد قابل توجهی را به ثبت رساند. زنانی به صورت داوطلبانه، حجاب بر سر می‌کردند که مادران و حتی مادر بزرگ‌های آنها در دهه بیست و سی میلادی حجاب را کنار گذاشته بودند (Haddah, 2011: 12).

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان ظهور «قدرت هویت دینی علیه استکبار»، از جمله عواملی بود که باعث خروج شیعیان از انزوا و حرکت به سمت تشکیل و ساخت مساجد، مراکز اسلامی و تجمعات دینی شد (همان، ۱۷). عامل دیگر شکل‌گیری مساجد و مراکز اسلامی، مساعدت‌های مالی کشورهای خاورمیانه بود که به نوبه خود باعث جهت‌گیری سیاست‌های کلان مؤسسات دریافت‌کننده نیز شد (Smith, 1999: 155-156).

۳. دهه نود میلادی

دهه نود میلادی، یکی از مهم‌ترین نقاط عطف جامعه اسلامی به شمار می‌رود که شیعیان را نیز به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. به جرئت می‌توان ادعا کرد که ریشه پدیده‌های قرن بیست و یک را باید در این دهه جستجو کرد. اتفاقات دهه نود میلادی را می‌توان در دو فاز بررسی کرد: مسائل داخلی و مسائل خارجی.

مسائل داخلی

رواج تفکر سلفی که با تغییر مرکز ثقل عربی از مصر به سوی کشورهای عربی خلیج فارس در اوائل دهه هفتاد میلادی همراه بود، در این مقطع به اوج خود رسید (مسجدجامعی، ۱۳۹۵: ص ۱۴۷). درحالی‌که اروپا به سمت دین‌ستیزی پیش می‌رفت، مسلمانان گویی در جهت

مقابل به سمت دین‌گرایی افراطی با رویکرد سلفی پیش می‌رفتند. بدون شک، جامعه سعودی دهه نود میلادی، به مراتب مذهبی‌تر از دهه هفتاد و هشتاد بود. در این دهه، داوطلبان ثروتمند شخصا به ترویج وهابی‌گری در خارج از کشور کمک می‌کردند (همان: ص ۱۷۰).

مسائل خارجی

سیاست خارجی آمریکا و دخالت در جنگ خلیج فارس به دعوت برخی از کشورهای اسلامی و سرانجام شکست صدام نه تنها موجبات شادی عربستان و سایر شیخ‌نشین‌ها را برآورده نکرد، بلکه حتی باعث سرافکنندگی آنها نیز شد. بسیاری از مسلمانان، از جمله مهاجران مقیم آمریکا، به لحاظ ایدئولوژیک با حضور نظامی آمریکا در تعارض میان کشورهای اسلامی مخالف بودند. حضور غیرمسلمانان در سرزمین حجاز جایز تلقی نمی‌شد؛ از همین رو مسلمانان، به‌ویژه جهان عرب، دچار انشقاق شدند. برخی از رژیم‌های عربی در کنار صدام و بقیه در مقابل او قرار گرفتند. اوضاع به‌گونه‌ای بود که رهبران مخالف صدام از درون جامعه خود تحت فشار بودند و مایل نبودند به طور علنی با او مخالفت کنند؛ همچنان که موافقان او به پایگاه مردمی محکم‌تری دست پیدا کرده بودند (همان: ص ۱۶۸).

در حقیقت شکست صدام، سرافکنندگی شدیدی را به طور خاص برای جامعه عرب «شیعه و سنی» در آمریکا رقم زد؛ جامعه‌ای که به امید بهبود شرایط فردی و اجتماعی و مبارزه با دیکتاتوری موجود در کشورهای خود به آمریکا مهاجرت کرده بودند. در این شرایط، اکثر مسلمانان عرب که حتی شامل بخش مهمی از شیعیان نیز می‌شود، با حمایت آمریکا از عربستان سعودی، رؤیاهای خود در تحقق دموکراسی را ازدست‌رفته می‌دیدند.

۴. قرن بیست و یک؛ اسلام‌هراسی راهبرد مقابله با اسلام‌گرایی

در سال ۲۰۰۶، خبرگزاری ای بی سی^۱ گزارشی را منتشر کرد. نتایج مصاحبه حاکی از آن بود که از هر ده نفر، تقریباً ۶ نفر اسلام را مستعد افراط‌گرایی خشونت‌بار به حساب آوردند. در حدود نیمی از جمعیت آماری، اسلام را یک دین ناپسند ارزیابی

کردند و یک چهارم از این افراد صراحتاً از احساس منفی خود در ارتباط با مسلمانان و عرب‌ها پرده برداشتند.^۱

مؤسسه گالوپ نیز در همان سال گزارشی را منتشر کرد که براساس آن، ۳۹ درصد آمریکایی‌ها ارزیابی مثبتی از مسلمانان نداشتند. به همین میزان، برخی از آمریکایی‌ها از به همراه داشتن دائمی یک کارت شناسایی ویژه مسلمانان برای، جلوگیری از حملات تروریستی حمایت کردند. یک سوم از این گروه، اظهار داشتند که مسلمانان با القاعده هم‌نوا هستند و ۲۲ درصد هیچ مسلمانی را در همسایگی خود نمی‌پسندیدند.^۲

در سال ۲۰۰۹، اکثریت آمریکایی‌ها، تلقی خوبی از اسلام نداشتند. ۵۳ درصد شرکت‌کنندگان در گزارش گالوپ، اسلام را ناپسند ارزیابی کردند.^۳

پس از حادثه یازده سپتامبر، تعداد تألیفاتی که به نگرانی از اسلام و مسلمانان پرداختند، افزایش چشمگیری پیدا کرد (Ameli, 2012:12). تنها در کمتر یک سال از بروز این حادثه، بیش از بیست عنوان کتاب با موضوع «تهدید اسلامی»^۴ در آمریکا به چاپ رسید. دو عنوان از این تعداد که در سایت آمازون از پرفروش‌ترین آثار درباره اسلام معرفی شدند، به ترتیب توسط استیون امرسون^۵ و دانیل پایپس^۶ به رشته تحریر درآمدند (peek, 2011: 6).

اگرچه این حادثه برای مسلمانان در غرب، به خصوص اهل سنت، به‌عنوان یک فاجعه به حساب می‌آید، اما همین اتفاق تا حدودی بالندگی هویت شیعی را به بار آورد. در حقیقت، بعد از این حادثه بود که غرب به طور خاص با ماهیت تفکر سلفی و وهابی در میان

1. Jon Cohen, "Poll: Americans Skeptical of Islam and Arabs: 9/11 Hardened Americans' Views of Muslims," ABC News, 2006, available at <http://abcnews.go.com/US/story?id=1700599> (accessed January 22, 2010).

2. Lydia Saad, "Anti-Muslim Sentiments Fairly Commonplace: Four in Ten Americans Admit Feeling Prejudice against Muslims" (report, Gallup, Washington, DC, 2006).

3. Gallup Center for Muslim Studies, "In U.S., Religious Prejudice Stronger against Muslims" (report, Gallup, Washington, DC, 2010).

4. Islamic Threat

5. "American Jihad: The Terrorists among Us", by Steven Emerson

6. "Militant Islam Reaches America", by Daniel Pipes

اهل سنت آشنا و آن را از هویت شیعی متمایز ساخت.

موانع شکل‌گیری هویت دینی منسجم و چالش‌های پیش رو

برخلاف شیعیان اروپا که هویت دینی آنها به طور کامل شکل گرفته است، هویت دینی شیعیان آمریکا به لحاظ اجتماعی - فرهنگی هنوز در حال شکل‌گیری است؛ زیرا آمریکا عمیقاً یک کشور مسیحی است که بدنه اصلی آن را سفیدپوستان انگلوساکسون پروتستان، تشکیل می‌دهد. این بافت اجتماعی، علی‌رغم مهاجرپذیر بودن آن، باعث می‌شود فرد به راحتی نتواند در آن ادغام^۱ شود. براین اساس، بسیاری از مهاجران از کشورهای شیعه‌نشین مسیر آمریکایی شدن را برگزیده‌اند تا از این رهگذر به جایگاه‌های اجتماعی مناسب دست یابند.

اساساً این سؤال همواره ذهن شیعیان را به خود مشغول کرده است که آیا می‌توان یک شیعه آمریکایی بود؟ آیا واژه «شیعه آمریکایی»، معنای ناپسندی را تداعی می‌کند؟ آیا یک شیعه در آمریکا باید در چارچوب تعریف‌شده برای مسلمانان کشورهای اسلامی زندگی کند یا با حفظ عنوان مسلمان بودن، می‌تواند در مسیر متفاوت از آنچه سنت متداول در کشورهای اسلامی ایجاب می‌کند، حرکت نماید؟ تمام این سؤالات حاکی از سردرگمی هویتی شیعیان آمریکاست.

آمریکا (دولت آمریکا) به دنبال خنثی‌سازی و ارائه قرائت و نسخه جدیدی از اسلام است که با سیاست‌های کلی آمریکایی نهایت هماهنگی را داشته باشد. بنابراین، شیعیانی که در این چارچوب فعالیت می‌کنند، از حمایت و آزادی‌های خوبی بهره‌مند هستند و می‌توانند به انتشار افکار خود بپردازند؛ اما هیچ ارگان، مؤسسه و یا حتی فردی نمی‌تواند از قواعد بازی تخطی کند.

در حقیقت، هویت دینی شیعیان تا جایی مورد پذیرش قرار می‌گیرد که با سیاست‌های کلی نظام آمریکا در تعارض نباشد. بنابراین، اگر هویت دینی به معنای شهروند متعادل، آرام و به دور از تنش‌های سیاسی - اجتماعی باشد، برای مسلمانان مشکلی به وجود نمی‌آورد و مورد تأیید قرار می‌گیرد.

به بیان دیگر، هویت دینی تا جایی که به مسائل فردی یک مسلمان و ارتباطات او در حیطه حریم شخصی و محدود اجتماعی بازمی‌گردد، قابل قبول است. هرگونه فعالیت فراتر از مرزهای از پیش تعیین شده، عنوان زیاده‌خواهی، افراط‌گرایی و تروریسم را برای مرتکب به دنبال خواهد داشت. بر همین اساس، مسلمانان از حقوق و آزادی‌های دینی مانند احداث و ساخت مساجد و مراکز اسلامی، دعوت از سخنرانان مذهبی و اجرای مراسم دینی، حقوق اجتماعی مانند رفاه اجتماعی، برخورداری از مزایای حقوق شهروندی، شغل و آموزش بهره‌مند هستند؛ در عین حال در استیفای کامل حقوق اجتماعی - سیاسی خود هرگز مانند یک شهروند آمریکایی الاصل نیستند.

نسل جدید مسلمانان، سرنوشت وخیم‌تری را تجربه می‌کنند. بسیاری از جوانان شیعه به دنبال ساماندهی هویت آمریکایی، از همسالان آمریکایی خود قابل تمایز نیستند. امروزه حتی جوانان متعهد، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، خود را یک آمریکایی شیعه می‌دانند و آمریکایی بودن را مقوم اصلی هویتی خود در نظر می‌گیرند. از نظر آنها، تعارضی میان هویت دینی و ملی وجود ندارد و در عین وفادار بودن به آرمان‌های آمریکا، می‌توان به تعالیم اسلامی هم ملتزم بود.

در ادامه، معضلات و چالش‌های فراروی شیعیان به‌عنوان یکی از اقلیت‌های دینی در آمریکا، در سه بخش چالش‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی، به‌صورت جزئی و به ترتیب میزان تأثیرگذاری بر هویتی دینی واکاوی می‌شود.

۱. چالش‌های فرهنگی

چالش‌های فرهنگی را از دو منظر می‌توان مورد ارزیابی قرار داد:

اولا باید در نظر داشت که جامعه آمریکا مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها و چالش‌های فرهنگی را برای شیعیان به ارمغان آورده است. همان‌طور که در فرهنگ آمریکایی رقابت‌طلبی، حفظ استقلال فردی و علاقه به ورزش‌هایی مانند بسکتبال، بیسبال و فوتبال به تعامل مسلمانان با سایر افراد جامعه یاری می‌رساند، این فرهنگ در عین حال با مؤلفه‌هایی مانند اختلاط جنسی و اباحه‌گری، رویکرد هژمونیک تمدنی و باورمداری برای شیعیان، چالش‌های بسیاری را به وجود می‌آورد.

از جنبه دوم، چالش‌های فرهنگی مسلمانان و شیعیان در درون جامعه دینی خود مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌گیرد. در این رویکرد، فارغ از چالش‌های فرهنگی که جامعه برای شیعیان ایجاد می‌کند، به معضلات فرهنگی آنها پرداخته می‌شود. این گروه از چالش‌ها به سه بخش تقسیم می‌گردد:

۱/۱. تمایزات فرهنگی

مؤسسه آماري گالوپ، ترکیب جمعیتی مسلمانان را مورد تحقیق و ارزیابی قرار داد. نتایج نشان می‌دهد که به ترتیب، سیاه‌پوستان آفریقایی ۳۵٪، سفیدپوستان ۲۸٪، آسیایی‌ها ۱۸٪ و سایرین ۱۹٪ این اقلیت را تشکیل می‌دهند.^۱ برخلاف برداشت بسیاری از آمریکایی‌ها که تحت تأثیر استفاده متقابل دو واژه «مسلمان» و «عرب» در رسانه‌های آمریکا، آنها را از نظر مصداقی، مترادف در نظر می‌گرفتند (peek, 2011, 11)، مسلمانان تنوع فرهنگی چشمگیری دارند. حتی عرب‌ها نیز به نوبه خود، به یکی از ۲۲ کشور عرب‌زبان تعلق دارند که دوسوم مسیحی و یک‌سوم از اسلام تبعیت می‌کنند (Ghazal Read, 2008:310).

مهاجرانی که از ۶۸ کشور جهان به آمریکا مهاجرت کرده‌اند، دوسوم کل جمعیت مسلمانان در آمریکا را تشکیل می‌دهند. سایر مسلمانان، از سیاه‌پوستان آمریکایی،^۲ هیسپان‌ها^۳ و در نهایت سفیدپوستان بومی هستند. هر یک از آنها آداب، سنت، مناسک، باورها، زبان و عقاید خاص خود را دارند (peek, 2011: 11).

مساجد و مراکز قومی نه تنها آداب و رسوم موطن اصلی را حفظ می‌کنند، بلکه باعث انسجام هویتی می‌شود. قوم‌گرایی علاوه بر مضاعف کردن اتحاد اعضای گروه، از جذب و ادغام در فرهنگ آمریکایی جلوگیری می‌کند. به همین دلیل، برنامه‌های دینی و مذهبی در راستای سیاست‌های قومی و سنتی قرار گرفتند (Takim, 2012: 73).

ترکیب فرهنگ با دین، پیامدهای (منفی و مثبت) متعددی را به دنبال دارد؛ اما آنچه در

1. <http://news.gallup.com/poll/116260/Muslim-Americans-Exemplify-Diversity-Potential>.

2. African-Americans

3. Hispanics

این بحث اهمیت دارد، این است که فضا، آیین‌بندی، معماری، محتوا و زبان برنامه‌های مراکز اسلامی - شیعی در آمریکا، در فرهنگ مرسوم اعضای آن ریشه دارد. بنابراین به جای مشاهده مراکز اسلامی، یک مخاطب بیشتر با مراکز ملی همچون لبنانی، عراقی، هندی، پاکستانی و ایرانی مواجه می‌شود. این مسئله باعث انزوا و ازهم‌گسیختگی هرچه بیشتر مراکز شیعی شده است.

افزون بر این، قوم‌گرایی در شیعه به مراتب بیش از اهل سنت متبلور است؛ زیرا مراکز اسلامی اهل سنت تنها به نمازهای هفتگی یا روزانه بسنده می‌کنند؛ ولی در تقویم شیعه، ولادت‌ها و شهادت‌های امامان نیز مورد توجه است (Takim, 2012: 75). بدیهی است، زمانی که برنامه‌های یک مرکز شیعی مطابق با فرهنگ خاص و برای قشر محدود انجام شود، سایر شیعیان، از این برنامه‌ها استقبال نخواهند کرد.

براین اساس، در برخی از شهرهای آمریکا که امکان احداث مراکز اسلامی و یا حسینیه‌ها وجود داشته است، سه یا چهار مرکز شیعی در یک منطقه دیده می‌شود که فاصله چندانی از یکدیگر ندارند.

۱/۲. عدم انسجام و اعتماد ساختاری

علی‌رغم تلاش‌های صورت‌گرفته، نهادهای دینی و فرهنگی شیعی در یکپارچه‌کردن سیاست‌های راهبردی کلان شیعه در آمریکا موفق عمل نکرده‌اند. عدم موفقیت در شبکه‌سازی و ایجاد تشکل‌های فراگیر در میان جمعیت‌های شیعی، به عوامل مختلفی نظیر فردمحوری، افول هویت دینی، جایگزینی سایر هویت‌های مقطعی و در برخی موارد، قانون‌گریزی مربوط می‌شود. این معضل، زمانی آشکار می‌گردد که در تجمعات سالانه مراکز و مؤسسات شیعی در آمریکا از مجموع مراکز و شخصیت‌های شیعی مدعو، کمتر از ۳۰ نفر شرکت می‌کنند.

اتخاذ «رویکرد حداقلی» در تعریف هویت دینی شیعیان، خلأ اساسی این بخش است. در چنین رویکردی، افرادی که به بخشی از احکام تعبدی التزام علمی و عملی ندارند نیز شیعه نام می‌گیرند.

توضیح بیشتر اینکه اسلام در ترتیب تاریخی، به دو بخش اسلام مکی و اسلام مدنی

تقسیم می‌شود. اسلام در مکه از نظر شرایط اجتماعی در دوران نزول قرار داشت؛ در نتیجه نه تنها تدریج در نزول احکام، بلکه تدریج در التزام به آنها از سوی مسلمانان امری رایج بود. این حقیقت تاریخی، چه از نظر روشی و چه از نظر محتوایی، در دوران حاضر که می‌توان از آن به «عصر شبه نزول» تعبیر کرد، نیز برای اقلیت شیعه در کشورهای غیرمسلمان وجود دارد. افزون بر این در تلقی تاریخی از اسلام، اساساً احکامی که در مکه بر پیامبر نازل شد، احکام اولی هستند. این در حالی است که فهم غالب، متفاوت است و اکثراً احکام مکی را احکام ثانویه و اضطراری در نظر می‌گیرند. این تفاوت در شیوه تبیین احکام نیز بسیار مؤثر و چشمگیر است. در نهایت، اتخاذ این رویکرد در تعریف اسلام باعث نشاط، انعطاف و استقبال گروه بیشتری از شیعیان خواهد شد.

۳/۱. تعارض با سایر ملاک‌های هویت‌بخش (زبان)

اساساً هویت به‌نوعی، با تمایز گره خورده است. در نتیجه هر ملاک هویتی، ویژگی‌های خاصی را برای اعضای خود به ارمغان می‌آورد. نژاد، رنگ، زبان، دین، فرهنگ و ملیت، هریک به نوبه خود باعث می‌شوند که یک انسان از سایر افرادی که خارج از خصوصیت‌های هویتی او هستند، متمایز گردد.

گاهی اوقات و به مناسبت‌های مختلف، ملاک‌های هویتی با یکدیگر در تعارض قرار می‌گیرند. برای نمونه، برخی از ایرانیان سکولار، به دنبال جایگزینی هویت دینی با هویت زبانی به‌عنوان ملاک وحدت هستند. برگزاری بسیاری از جشن‌ها، گردهمایی‌ها و همایش‌ها به زبان فارسی و دعوت از ایرانیان و افغانی‌ها برای شرکت در این مراسم، سهم زیادی در فاصله گرفتن این قشر از مراسم مذهبی دارد؛ به‌ویژه اینکه، بعضی از این جشن‌ها در ایام سوگواری مسلمانان برگزار می‌شود. از این جمله می‌توان به مسابقه ملکه زیبایی در لس‌آنجلس اشاره کرد که در دهه محرم برگزار شد (Kelly, 1994: 148).

افزون بر این، برگزاری مراسم به زبان خاص (و نه مشترک)، باعث بروز اختلاف نظر میان شرکت‌کنندگان و مسئولان در بسیاری از مساجد و مراکز اسلامی شده است. مشکل زمانی دوچندان می‌شود که شیعیان، «مهاجر»، «در اقلیت» و «از نظر نژادی متنوع» باشند. تجربه میدانی نشان داده است که صرفاً به دلیل زبان برگزاری مراسم و عدم برقراری ارتباط

میان مخاطب و سخنران، مراکز اسلامی جدیدی، در عرض هم راه‌اندازی شده‌اند. کهنسالان که درصد قابل توجهی از مخاطبان برنامه‌های دینی مراکز را تشکیل می‌دهند، با زبان انگلیسی انس ندارند و ترجیح می‌دهند تا مراسم به زبان مادری آنها برگزار گردد. در نتیجه، نبود زبان مشترک یک معضل اساسی برای مهاجرین شیعه به شمار می‌رود. در سوی مقابل، نسل جدید بر هماهنگی هرچه بیشتر با بدنه جامعه هدف تأکید دارند. در واقع فرزندان بسیاری از مهاجران عرب، فارس، هندی و پاکستانی، با زبان مادری خود ناآشنا هستند. در جماعت‌هایی مانند خوجه‌ها، علی‌رغم اصرار زیاد بر برگزاری مراسم به زبان اردو، هر روز گرایش بیشتری به سمت زبان انگلیسی مشاهده می‌شود. لازم است که به بومی‌سازی زبان انگلیسی در فضای اسلامی اندیشید. در مواردی مشاهده شده است که برگزاری سخنرانی و عزاداری‌ها اعم از روضه‌خوانی، سینه‌زنی و حتی مقتل خوانی به زبان انگلیسی، نه تنها از کیفیت مجالس نکاسته، بلکه باعث جذب مخاطبان جوان شده است.

۲. چالش‌های دینی

براساس گزارش مؤسسه پیو که در ژانویه سال ۲۰۱۸ منتشر شد، جمعیت مسلمانان آمریکا در حال افزایش است. در این گزارش آمده است: از زمانی که برای اولین بار، جمعیت مسلمانان آمریکایی مورد بررسی قرار گرفت، تعداد مسلمانان آمریکا، از میزان نسبتاً اندک، به سرعت رو به افزایش است. در سال ۲۰۰۷، آمارها حاکی از حدود ۲/۳۵۰/۰۰۰ نفر بود. در سال ۲۰۱۱، جمعیت مسلمانان به ۲/۷۵۰/۰۰۰ نفر رسید. از این مقطع، به طور میانگین، مسلمانان شاهد افزایش یک‌صد هزار نفر در سال بودند که در آمار بارداری زنان مسلمان و همچنین ادامه مهاجرت مسلمانان به آمریکا ریشه دارد.^۱

در بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ جمعیت مسیحیان آمریکا با کاهش ۷/۸٪ - مواجه شده است که از این مقدار، غیرمتدینان ۶/۷٪+ و دین‌داران ۱/۱٪+ (مسلمانان و هندوها

به ترتیب ۵/۰٪ و ۳/۰٪ (+) رشد را به ثبت رساندند.^۱ آمار مذکور نشان می‌دهد که رشد جمعیت مسلمانان، به سبب گرایش مسیحیان یا ملحدان آمریکا به اسلام ایجاد نشده است؛ زیرا اساساً تبلیغ دینی برای غیرمسلمانان بسیار کم‌فروغ است؛ درعین حال، چالش‌های دینی در درون جامعه مسلمانان به طور عام و شیعیان به طور خاص، مانع تأثیرگذاری کلان تعالیم اسلامی شده است.

۱/۲. بحران نوکیشی

یکی از چالش‌های دینی در اواخر قرن بیست و اوایل قرن بیست و یک، مسئله نوکیشی است. نوکیشی در میان سیاهان آمریکا به‌عنوان گریزی از هویت آمریکایی آنها تلقی می‌شود؛ هویتی که با بردگی درآمیخته است. آنها با اتخاذ نام اسلامی، به وابستگی به ارباب خود خاتمه دادند و فرهنگی متمایز را انتخاب کردند، تا بدین وسیله یک هویت قانونی را که سهمی در تمدن دارد، برای خود ایجاد کنند. یک سیاه‌پوست، دیگر محصول متروک زمین‌های پنبه که دستگاه‌های پیشرفته جایگزین آن شده بود، به شمار نمی‌رفت؛ بلکه یک بنده خدا با تاریخچه‌ای درخشان و نیاکانی فرهیخته بود (Haddad and Esposito, 2000: 37).

برخلاف بسیاری از مهاجران شیعه که به سمت آمریکایی شدن گرایش پیدا می‌کنند و دائماً در تکاپو برای مقابله با اغوای بیش از حد آن هستند، آفریقایی‌های آمریکا در اکثر موارد، فرهنگ استعماری و نژادپرستانه آن را مردود می‌دانند (همان).

آفریقایی - آمریکایی‌های تازه‌مسلمان، در ابتدا هرکس را که مدعی دانش اسلامی بود، به‌جد دنبال می‌کردند؛ اما بعد از مدتی دریافتند که در بسیاری از موارد، آنها از فرهنگ خاص مسلمانان یا شیعیان یک منطقه و نه ضرورتاً اسلام تبعیت کرده‌اند؛ تا جایی که یکی از ائمه سازمان مسلمانان آمریکایی^۲ چالش جامعه آفریقایی‌های آمریکا را این‌گونه بیان می‌کند: «ما به یک آفتاب‌پرست فرهنگی تبدیل شده‌ایم».^۳

1. <http://www.pewforum.org/2015/05/12/americas-changing-religious-landscape/>.

2. American Muslim Mission.

3. "We have become cultural chameleons".

پروفسور «امینه مک کلود»^۱ در کنفرانس NAAMPS^۲ به مواجهه و تقابل مسلمانان مهاجر با مسلمانان آفریقایی - آمریکایی پرداخت:

اعتماد به نفس کاذب مهاجران در درک معارف اسلامی نسبت به آفریقایی‌ها، توجه به ظلم و بی‌عدالتی کشورهای خود، عدم توجه به مسلمانان آفریقایی مجاور و در نهایت احساس برتری در دعوت و تبلیغ اسلامی بر آفریقایی‌ها، از جمله مشکلاتی است که باعث رنجش خاطر آفریقایی‌ها شده است. در حالی که در اسلام جایی برای نژادپرستی و قومیت وجود ندارد، مهاجران از اسلام آرمانی فاصله دارند و برخلاف آن عمل می‌کنند. مسلمانان از نوکیشی سفیدان، بیش از تغییر آیین آفریقایی‌ها، آمریکای لاتینی‌ها و بومی‌های آمریکا استقبال می‌کنند (McCloud, 2006: 130-131).

این تنها بخشی از مشکلات نوکیشان است که می‌تواند در کنار معضلاتی مانند موانع زبانی، انزوای اجتماعی، عدم تفاهم با فرهنگ دینی و خلأ احکام فقهی در مسائلی مانند ازدواج، طلاق، تغییر نام و نگهداری از حیوانات خانگی، سرخوردگی شدید و عمیقی را در این گروه به وجود بیاورد.

۲/۲. جایگاه مراجع تقلید

نظام مرجعیت در شیعه به‌طور کلی از اهل سنت متفاوت است و توانسته خود را به‌عنوان یک نهاد پویا معرفی کند که متکفل پاسخ‌گویی به مسائل جدید است و تلاش دارد با اقتصانات زمان، رو به جلو حرکت کند.

تکثر مراجع تقلید، تنوع آرای فقهی در مسائل مختلف را به وجود می‌آورد. از مسائل مورد ابتلا در آمریکا می‌توان به «آغاز و پایان روزه ماه مبارک رمضان»، «برگزاری مراسم عید فطر»، «غذای حلال»، «روابط جوانان»، «ازدواج»، «تعامل با اهل کتاب و کفار»، «خمس»، «وام‌های بانکی» و «الزام به قوانین ملی» اشاره کرد.

سؤالاتی که از سوی شیعیان آمریکا از مراجع پرسیده شده، چالش‌های آنها را منعکس

1. Prof. Amina Beverly McCloud.

2. North American Association of Muslim Professionals and Scholars.

می‌کند: چه نوع موسیقی مجاز است؟ مصرف مواد غذایی که ژلاتین دارند چگونه است؟ نماز خواندن در فضایی چگونه است؟ آیا داشتن فرزندی که در مراحل اولیه در لوله آزمایش رشد می‌کند، جایز است؟ نماز خواندن و روزه گرفتن در جاهایی که دارای روز یا شب بسیار طولانی است، چه حکمی دارد؟ آیا به نتایج DNA که نشان می‌دهد کودک نامشروع است، می‌توان اکتفا کرد؟ (Takim, 2012: 64).

در موارد بسیاری مشاهده شده است که جامعه شیعه در ماه مبارک رمضان، به دلیل نبود بیانیه واحد، دچار چنددستگی شده و هر یک از گروه مقلدین، در روز جداگانه‌ای ماه مبارک رمضان را آغاز می‌کنند. همین معضل در برگزاری نماز عید فطر نیز وجود دارد و یک امام جماعت ناچار به برگزاری چند نماز عید فطر در یک مرکز اسلامی می‌شود. اعتراض‌ها در سال‌های اخیر شدت گرفته است که چرا مراکزی که باید باعث وحدت افراد شوند، خود بر طبل تفرقه می‌کوبند.

بیشتر مراکز مذهبی، از مرجعی خاص تبعیت می‌کنند. مراکز اسلامی خوجه‌های هندی و پاکستانی و عراقی‌ها، به‌طورکلی، از فتاوا و احکام آیت‌الله سیستانی پیروی می‌کنند؛ درحالی‌که مراکز اسلامی ایرانی از آیت‌الله خامنه‌ای تقلید می‌کنند. شیعیان لبنانی، تمایل دارند که یا از آیت‌الله سیدفضل‌الله و یا از آیت‌الله سیستانی پیروی نمایند. شیعیان لبنانی در دیربورن غالباً درباره مواضع اتخاذشده از سوی آیت‌الله فضل‌الله و مهدی شمس‌الدین، اختلاف نظر دارند (همان).

۲/۳. مبلغان دینی و ائمه جماعات

عبدالعزیز ساشادینا در مقاله‌ای با عنوان «اقلیت در اقلیت: وضعیت تشیع در آمریکای شمالی»، از دوگانگی در مراکز شیعی سخن به میان آورده است:

یکی از موانع اصلی برای پیوند با اسلام جهانی، رهبری دینی مبلغانی است که از خارج وارد می‌شوند؛ افرادی که به اندازه کافی با زبان انگلیسی آشنا نیستند و به زبان‌های بومی خود تدریس و تبلیغ می‌نمایند... اگرچه رؤسای مراکز، زبان انگلیسی را به‌عنوان زبان رسمی - اداری برگزیده‌اند، ولی استفاده از زبان‌های بومی برای تبلیغ و تدریس باعث بروز دوگانگی همراه با تعارض دیدگاه‌ها و منافع شده است (Sachedina, 1994: 9).

در این زمینه ساشادینا، همچنین ریشه تعارض مدیریتی میان «رهبران دینی» و «رؤسای مراکز» را در اختلاف حوزه‌های تخصصی دنبال می‌کند. از یک‌سو، اعضای هیئت امنای مراکز اسلامی فهم بهتری از محیط آمریکای شمالی و مسائل اجتماعی مهاجران دارند؛ اما بر مبنای اسلامی تسلط ندارند. از سوی دیگر، مبلغان، سنت‌های دینی را عمیقاً مورد مطالعه قرار داده‌اند؛ اما با معضلاتی که مسلمانان در آمریکای شمالی مواجه می‌شوند، بیگانه هستند (Sachedina, 1994: 9).

با این وجود و البته با گذشت بیش از دو دهه، پیشرفت‌های قابل توجهی در این زمینه انجام شده است. برخی از جوانان متعهد که در کشورهای غربی پرورش یافته‌اند، به یادگیری علوم حوزوی در قم یا نجف همت گمارده، خلأ موجود را پوشش داده‌اند. افرادی مانند «حمزه سوداگر»، «سید مهدی مدرسی»، «فرخ سکالشفر» و «عمار نخجوانی» (نقشوانی) به طور خاص، جوانان شیعی بسیاری را در کشورهای انگلیسی‌زبان پیرامون خود گرد آورده‌اند.

گذشته از مسئله زبان، مبلغان از مخاطب‌شناسی، بهره‌اندکی برده‌اند و غالباً در بیان مسائل اخلاقی، فقهی و یا حتی اجتماعی - سیاسی، به شیوه سنتی عمل می‌کنند. برای اکثر سخنرانان شیعی فرقی میان حوزه آمریکای شمالی و سایر مناطق جغرافیایی وجود ندارد و موضوعات مشابه برای مخاطبین تکرار می‌شوند. بدیهی است که این رویکرد عامیانه و سنتی، جوابگوی نیازهای مراکزی که به طور مستقیم با معضلات جهان مدرن مواجه هستند، نیست.

۳. چالش‌های اجتماعی

شیعیان علاوه بر محدودیت‌های زبانی و نحوه تعامل با موقعیت جدید که سایر مهاجران نیز با آن مواجه هستند، به دلیل مسلمان بودن و تبعیت از قوانین اسلامی نیز در مظان تهمت قرار دارند (Haddad and Esposito, 2000: 19). هویت دینی شیعیان تحت تأثیر انواع تبعیض‌های اجتماعی که علیه مسلمانان و به نفع مسیحیان و یهودیان در آمریکا در جریان است، قرار دارد. باین وجود، اصل جدایی دین از سیاست مورد استقبال شیعیان است و در آمریکا ضامن آزادی‌های دینی آنهاست (Haddad and Esposito, 2000: 24).

مسائلی که در سبک زندگی غربی - آمریکایی برای شیعیان به دغدغه تبدیل شده است، عبارتند از: «پوشش و نقش اجتماعی زنان»، «گرایش و میل جنسی»، «پرورش فرزند»، «اوقات فراغت»، «مشروبات الکلی»، «قمار»، «آموزش»، «بهداشت فردی» و «شغل».

۳/۱. مسائل جوانان

۶۷٪ مسلمانان کمتر از ۴۰ سال هستند؛ اما در نقطه مقابل، ۶۷٪ جمعیت آمریکا بیش از ۴۰ سال دارند. ۶۷٪ جوانان مسلمان مدرک کارشناسی و بالاتر را کسب کرده‌اند؛ اما در مقابل، تنها ۴۴٪ آمریکایی‌ها در چنین مقاطعی مشغول به تحصیل هستند.^۱ این واقعیت‌های آماری نشان می‌دهد که جوانان شیعی در آمریکا جوان‌تر و باسوادترند و برای دستیابی به موقعیت بهتر اجتماعی، شغلی و فرهنگی و همچنین اثبات و ادغام خود در جامعه، بیش از سایر اقشار آمریکایی تلاش می‌کنند.

اما سؤال اینجاست که آیا این تلاش در نهایت به ترقی هویت دینی آنها منجر خواهد شد؟ جوانان شیعه آمریکایی در شرایط متفاوتی زندگی کرده‌اند. باین‌همه، وجه مشترک آنها تجربه شیعه بودن در آمریکاست. آنها از طریق آشنایی با شرایط مختلف، به‌عنوان پل ارتباطی میان جوامع محلی خود و جامعه وسیع آمریکا، نقش مهمی ایفا کردند (Curtis IV, 2010:602).

در حال حاضر باید این واقعیت را پذیرفت که بسیاری از جوانان شیعه به لحاظ رفتار، نگرش و پوشش ظاهری، از جوانان سکولار آمریکایی متمایز نیستند. آنها به دلیل حضور در مدارس دولتی آمریکا و آمیخته شدن با سیطره فرهنگی رایج در آن، روزبه‌روز از فرهنگ اسلامی مرسوم در بین خانواده‌های خود فاصله می‌گیرند. خانواده‌های شیعه به این حقیقت پی برده‌اند که فرزندان آنها بیشتر وقت روزانه خود را در مدرسه می‌گذارند و نه در منزل. بنابراین طبیعی است که به جای تأثیرپذیری از سنت خانوادگی خود، تحت تأثیر دوستان و هم‌کلاسی‌های مدرسه قرار بگیرند.

1. American Muslim Demographic Facts" Allied Media Corp. <http://www.allied--media.com/AM/> Retrieved on March 22, 2011.

نظام آموزشی در مدارس دولتی آمریکای شمالی، سکولار است. براین اساس، فرزندان شیعی در معرض خطر مادی‌گرایی محض و فاصله‌گرفتن از معنویت قرار دارند. علی‌رغم تقابل سکولاریسم با اعمال هرگونه تعصبات دینی در سطوح مختلف جامعه، به‌خصوص در مدارس، تصویب عناوین جدید مانند «مطالعات جنسیت و ارتباطات جنسی» در مواد آموزشی مدارس ابتدایی و برگزاری کلاس‌های رقص و موسیقی در این مقطع، باعث به وجود آمدن خسارات جبران‌ناپذیری برای جامعه شیعه شده است.

یکی از نمونه‌های برجسته در عرصه تعارضات دینی - فرهنگی، جشن فارغ‌التحصیلی از مقطع دبیرستان است. این جشن که در میان جوانان «پرام»^۱ نام دارد، به معنای ورود به سن بلوغ اجتماعی و مستقل بودن در تصمیم‌گیری است. بسیاری از دانش‌آموزان از جمله شیعیان، علاقه‌مند به شرکت در این جشن هستند. طبیعی است که هریک از دانش‌آموزان باید با یکی از دوستان جنس مخالف خود در این مراسم همراهی شود. این پدیده به نوبه خود، به‌عنوان یک فشار اجتماعی برای ارتباط با جنس مخالف در فضای کشورهای آمریکای شمالی قلمداد می‌شود.

در نهایت، برخلاف تصور عبدالعزیز ساشادینا که عدم اجرای برنامه‌های مراکز اسلامی به زبان انگلیسی را به‌عنوان دلیل اصلی افول مشارکت جوانان در مراکز اسلامی در نظر گرفته است (Sachedina, 1994: 11)، گذر زمان نشان می‌دهد که حتی برگزاری جلسات و برنامه‌ها به زبان انگلیسی، ضعف موجود را جبران نکرده است و شیعیان کماکان شاهد کم‌رنگ بودن حضور جوانان در مراکز هستند. در حقیقت، هرچه جوانان بیشتر به سمت هویت آمریکایی حرکت می‌کنند، به همان میزان از قرائت سنتی هویت دینی - اسلامی خود فاصله می‌گیرند.

۳/۲. ملاحظات زنان

بدیهی است که آحاد مسلمانان، به یک اندازه از آسیب‌های اجتماعی رنج نمی‌برند. از این نظر، می‌توان مردان و زنان شیعه را از یکدیگر متمایز کرد. زنان متعهد شیعی به دلیل التزام به ظواهر اسلامی، مانند «حجاب» که نمود اجتماعی دارد، بیش از مردان در معرض

فشارها و در برخی موارد واکنش‌های اجتماعی هستند.

پوشش اسلامی و التزام به حجاب، تمایز شدید فرهنگی زنان در جامعه آمریکا را به تصویر می‌کشد. رعایت این دستور اجتماعی، هویت دینی، بومی و ملی زنان مسلمان از جمله شیعیان را برای تمامی افراد پیرامون آنها آشکار می‌کند (Bartkowski and Ghazal Read, 2003: 18).

برخی حجاب را به چاقوی سوئیسی تشبیه کرده‌اند:

«به‌عنوان یک ابزار فرهنگی چندسویه که آستن برداشت‌ها و معانی مختلف است، حجاب مشابه چاقوی سوئیسی ارتش می‌ماند. این نوع چاقو که در عین حال متشکل از چند وسیله است، قابلیت انجام کارهای مختلفی را دارد. از این نظر، حجاب نیز می‌تواند بر جایگاه‌های اجتماعی متنوع، تعلقات دینی، هویت بومی و اصالت ملی دلالت کند» (همان: ۱۹).

به گزارش «اف‌بی‌آی» که در سایت پیو در نوامبر سال ۲۰۱۷ منتشر شد، میزان تهاجم و حمله علیه مسلمانان در ایالات متحده آمریکا به طور قابل ملاحظه در بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ افزایش داشته است و حتی از اوج حملات در سال ۲۰۰۱ نیز عبور کرده است. بنا بر این گزارش، در سال ۲۰۱۶، ۱۲۷ مورد به پلیس گزارش شده است که افراد مختلف قربانی تهاجمات مختلف قرار گرفتند. این در حالی است که در سال ۲۰۰۱، ۹۳ مورد از جنایات نفرت‌انگیز به پلیس گزارش شده است.^۱

در این بین، زنان، قربانیان اصلی نفرت‌پراکنی، هراس‌افکنی و حتی خشونت بوده‌اند. آنها نه تنها در اماکن عمومی، بلکه در محیط کار و در مدارس و به‌خاطر نوع پوشش فرم مدرسه^۲ نیز از تبعیض رفتاری آسیب می‌بینند (Haddad, Smith and moore, 2006: 103).

مسئله دیگری که زنان شیعه را دچار چالش کرده است، به غیر از مسئله «چندهمسری» و «اختصاص حق طلاق برای مردان» که در آمریکا غیرقانونی برشمرده می‌شوند، «ازدواج»

1. <http://www.pewresearch.org/fact-tank/2017/11/15/assaults-against-muslims-in-u-s-surpass-2001-level/>

2. School dress codes

است. از آنجا که مردان مسلمان، هم به لحاظ دینی و هم فرهنگی، از آزادی عمل بیشتری در ازدواج بهره‌مند هستند، نمی‌توان ازدواج را برای آنها یک معضل به حساب آورد؛ اما همین مسئله، در زنان به یک معضل و آسیب اجتماعی تبدیل شده است که بر هویت دینی زنان تأثیر مستقیم دارد. زنانی که به آداب و رسوم دینی پایبندند، اکثراً با محدودیت شدید در انتخاب همسر مواجه هستند و به همین دلیل پا به سن می‌گذارند.

در آمریکا، یعنی جایی که شیعیان کماکان بخش بسیار کوچکی از جمعیت را تشکیل می‌دهند و تعامل میان شیعیان و غیرمسلمانان تقریباً اجتناب‌ناپذیر است، ازدواج مردان مسلمان با زنان مسیحی، یهودی و یا حتی سکولار و بی‌قید (در میان اهل سنت) یک امر مرسوم به شمار می‌رود. این واقعیت اجتماعی، شرایط را برای زنان و دختران شیعه پیچیده‌تر کرده است؛ چرا که آنها با کاندیداهای محدودتر و روزبه‌روز کم‌فروغ‌تر مواجه هستند (همان: ۸۵).

امروزه زنان شیعه خواستار سهم مشارکت بیشتری در حوزه فعالیت‌های اجتماعی هستند. در مطالعه‌ای که در سال ۱۹۸۵ درباره پنج جامعه اسلامی در نقاط مختلف آمریکا به‌خصوص دیربورن (میشیگان)^۱ و تولدو (اوهایو)^۲ انجام شد، عبدو الخولی^۳ نتیجه می‌گیرد که مشارکت زنان در جامعه، نشان از شکل‌گیری هویت آمریکایی آنها دارد (: haddad, 2011). (11)

خوانش جمع‌گرایانه معنویت

در حال حاضر، جوامع غربی در فقر معنویت به سر می‌برند و تلاش‌های فراوانی در جهت جبران آن انجام شده است. شیعه این ظرفیت را دارد که با استفاده از باورها، آموزه‌ها، فرازهای الهام‌بخش ادعیه، زیارات و تجمعات مذهبی که در میراث شیعی یافت می‌شود، این خلأ را در جامعه آمریکا و البته به نفع خود پوشش دهد.

با نگاه به تاریخ شکل‌گیری آمریکا، دلیل گرایش‌های مذهبی بیشتر جامعه آمریکا مشخص

1. Dearborn, Michigan

2. Toledo, Ohio

3. Abdo Elkholi

می‌شود. این حقیقت به نوبه خود محمل دیگری را به روی شیعیان برای اشاعه «معنویت جمعی» می‌گشاید.

نکته مهم این است که معنویت در شیعه، به دلیل «همگرایی و جمع‌گرایی» باعث تحکیم روابط بین‌فردی و شبکه‌سازی در جامعه ایمانی نیز می‌گردد. بنابراین، چالش‌هایی که در مسیر پیشرفت هویت دینی شیعیان به وجود آمده است، نیز برطرف خواهند شد.

معنویت اگرچه به زعم بسیاری از عارفان با فضای «خلوت فرد با معبود» گره خورده است، اما در این رویکرد، معنویت، اساس گرده‌مایی افراد جامعه و پی‌ریزی جامعه معرفتی خواهد شد. در این نگاه، خلوت برای تعالی معنوی به انسان کمک نمی‌کند؛ بلکه جمع شدن در کنار یکدیگر، به تقویت تلقی جمعی از معنویت منجر می‌شود.

معنویت جمعی در مقایسه با معنویت فردی، افزون بر ارتقای سطح معرفتی مخاطبان خود، حفظ و استمرار آن را در بدنه جامعه به دنبال دارد. همچنین معنویت جمعی، روابط میان افراد را از کارکردگرایی و منفعت‌طلبی به سمت منفعت‌رسانی معطوف می‌کند.

معنویت جمعی راهبرد اصلی برای برون‌رفت از چالش‌هایی است که بیان شد. از همین معبر، مسلمانان می‌توانند به سطحی از پیشرفت و توسعه دست یابند، تا با حفظ هویت دینی به الگویی کارآمد برای سایر اقلیت‌ها تبدیل شوند. این آرمان چندان هم دور از دسترس نیست؛ چرا که براساس آمار مؤسسه پیو در سال ۲۰۱۷ مسلمانان و از جمله شیعیان، از نظر سطح تحصیلات، نرخ باروری و جوانی نیز از متوسط آمریکا در وضعیت بهتری قرار داشتند.^۱ هریک از این موارد، رابطه دوسویه‌ای با معنویت دارد که از یک‌سو زمینه لازم برای رشد معنویت جمعی را مهیا می‌سازد و در جهت مقابل، معنویت جمعی باعث بالندگی شیعیان در هریک از این امور سه‌گانه خواهد شد.

1. http://www.pewforum.org/2017/07/26/demographic-portrait-of-muslim-americans/pf_2017-06-26_muslimamericans-01new-03,04,06/.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شواهد میدانی بر تفسیر، تأویل و توجیه تعالیم اسلامی در جهت پوشش مقاصد و اقتضانات جامعه آمریکا دلالت دارد. نتیجه این التقاط، چیزی جز اقتصار و نگاه حداقلی به اسلام نیست.

با این وجود، ظرفیت‌های شایان توجهی در جامعه آمریکا وجود دارد که به خودانگیختگی هویت دینی شیعیان می‌انجامد؛ مانند معنویت‌گرایی و گرایش‌های دینی و مذهبی. تشیع مجموعه‌ای از باورها، آموزه‌ها و مناسکی است که مالا مال از معنویت است؛ تا حدی که بدون در نظر گرفتن معانی و باطن حقیقی افعال عبادی و رفتارهای اخلاقی، ارزش خاصی نخواهند داشت.

خوانش جمع‌گرایانه از معنویت یا همان «معنویت جمعی»، از جهات مختلف به انسجام هویت دینی می‌انجامد:

۱. این رویکرد در رفع تمایزات و خط‌کشی‌های فرهنگی - نژادی بسیار مؤثر است. هنگامی که بروز و ظهور رفتار و رسوم دینی افراد در نگرش معنوی رنگ می‌بازد، تأثیر چندانی هم در اجتماع نخواهد گذاشت.

۲. معنویت جمعی به شدت در مقابل فردگرایی صفا‌آرایی می‌کند و آرمان مشترکی را برای همه اعضای جامعه به تصویر می‌کشد. بنابراین، جمع‌گرایی از مقومات اصلی این گرایش معنوی خواهد بود.

۳. با توجه به میراث علمی (ادعیه و زیارات) و عملی (عزاداری‌ها از جمله در زیارت اربعین) شیعه در پرچم‌داری معنویت جمعی یکه‌تاز خواهد بود. اهل سنت به لحاظ اهمیت دادن به ظواهر اعمال و فقدان گنجینه علمی، کمتر در این عرصه موفق بوده‌اند و ای بسا در مواردی به مقابله و ستیز با آن پرداخته‌اند.

۴. معنویت جمعی به سرعت جایگاه خود را در میان مخاطبان غیرمسلمان نیز پیدا خواهد کرد؛ زیرا «فقر معنویت»، «افول تمدنی در دوره پسمدرن» و «پوچ‌گرایی»، بسیاری را به فکر فرو برده است تا به دنبال ایجاد تحول و انگیزه‌سازی در سطح کلان جامعه باشند. اساساً نگاه شیعه در پیروی از رهبری دینی در شئون مختلف اجتماعی، سیاسی و

فرهنگی بر قدرت معنوی رهبر که اولاً و بالذات در اهل‌بیت علیهم‌السلام متبلور است، تکیه دارد. این رویکرد برخلاف نگاه سایر مسلمانان است که اکثراً مقهور قدرت خلیفه و تابع آن هستند. از همین دریچه است که مفاهیمی مانند زیارت و گردهمایی‌های سالانه‌ای مانند اربعین، نقش کلیدی در انسجام هویت دینی بر مبنای معنویت ایفا خواهند کرد.

منابع

۱. مسجد جامعی، محمد (۱۳۹۵). «ژئوپلیتیک خلیج فارس: عربستان و شیخ‌نشین‌ها»، اطلاعات، تهران.
2. Ameli, Saied Reza(۱۲۰۲) “Bibliographical Discourse Analysis: The Western Academic Perspective on Islam, Muslims and Islamic Countries (۲۰۰۹-۱۹۴۹)”, Islamic Human Rights Commission, Great Britain,.
3. Bartkowski, John P. and Jen’nan Ghazal Read (۲۰۰۳) “Veiled Submission: Gender, Power, and Identity among Evangelical and Muslim Women in the United States”, in “Qualitative Sociology”, Vol. ۲۶, No. ۱, Spring.
4. Curtis IV, Edward E(۲۰۱۰)“Encyclopedia of Muslim-American History”, Facts On File, New York.
5. Davis, C. Kenneth(۲۰۰۲) “Don’t Know Much About History: Everything you need to know about American history but never learned”, Perfect Bound, New York.
6. Ghazal Read, Jen’nan (۲۰۰۸)“Discrimination and Identity Formation in a Post-۱۱/۹Era: A Comparison of Muslim and Christian Arab Americans,” in “Race and Arab Americans before and after ۱۱/۹: From Invisible Citizens to Visible Subjects”, ed. Amaney Jamal and Nadine Naber (Syracuse, NY: Syracuse University Press.
7. Haddad, Yvonne Yazbeck(۱۹۹۱) “The Muslims of America”, Oxford University Press, New York.
8. “,------(۲۰۱۱)Muslims in the West: From Sojourners to Citizens”, Oxford University Press, New York.
9. “,------(۲۰۱۱)Becoming American? The Forging of Arab and Muslim Identity In Pluralist America”, Baylor University Press, Texas.
10. ,-----and -----, Muslims on the Americanization Path”, Oxford University Press, New York, .۲۰۰۰
11. ,------(۲۰۰۶)and Smith, Jane and Moore, Kathleen, “Muslim Women in America: The Challenge of Islamic Identity Today”, Oxford University Press, New York.
12. Kelly, Ron(۱۹۹۴) “Muslims in Los Angeles”, in “Muslim Communities in North

- America”, Oxford University Press, New York,.
13. McCloud, Aminah Beverly (۲۰۰۶) “Transnational Muslims in American Society”, university press of Florida, Florida.
 14. Peek, Lori (۲۰۱۱) “Behind the Backlash; Muslim Americans after ۱۱/۹”, Temple university press, Philadelphia.
 15. Sachedina, Abdul-Aziz, (۱۹۹۴) “A Minority within a Minority, the Case of Shia Muslims in America”, in “Muslim Communities in North America” Oxford University Press, New York.
 16. Smith, Jane, (۱۹۹۹) “Islam in America”, Colombia university press, New York,.
 17. Takim, Liaqat, (۲۰۰۹) “Shiism in America”, New York University Press, New York.
 18. “,------(۲۰۱۲) Shi’i Islam in North America: United States of America and Canada”, Dix Hills.